

اثربرداری شعر و نثر امام شافعی از سخنان امام علی (ع)

وحید سبزیان‌پور*

فاروق نعمتی**

چکیده

بر اساس نظریه بینامتنیت، هر متن ادبی، آگاه یا ناخودآگاه، زایش و بازخوانشی از آثار ادبی پیش از خود یا معاصر با خود است. نهج‌البلاغه از هنگام ظهور تاکنون، همواره به عنوان یکی از منابع مهم و کلیدی ادبای عرب به شمار می‌رود. محمد بن ادریس شافعی از عالمان و فقیهان قرن دوم هجری و پیشوای مذهب شافعی است که بسیاری از مفاهیم حکمی و اخلاقی را به لباس نظم درآورده است. وی با توجه به عشق و ارادتش به علی (ع) که از یک سو قافله سالار شعر و ادب بوده و از دیگر سو وامدار حکمت الهی و قرآنی است، سخنان حکیمانه آن حضرت را در لایه‌های اشعار خود جا داده است. در این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی و با استقراء الفاظ و مضامین گهربار نهج‌البلاغه، ضمن بررسی اشکال مختلف اثربرداری شافعی از کلام امام علی (ع)، نشان می‌دهیم که وی علاوه بر ارادت و اخلاص ویژه به ساحت آن امام (ع)، مانند بسیاری دیگر از ادیبان و شاعران عرب و ایرانی، سیراب از سرچشمه زلال حکمت‌های آن حضرت شده است. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که در دیوان شافعی و نثر وی، انواع مختلفی از اثربرداری تصویری، لفظی و معنایی از نهج‌البلاغه به چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، شافعی، حکمت، شعر عربی، اثربرداری.

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)، wsabzianpoor@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، faroogh.nemati@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰

۱. مقدمه

تأمل در سیره علی (ع) نشان می‌دهد که بلاغت، به صورت ملکه در ایشان و کلامشان وجود داشته و حضرت در جاهای مختلف، به این موضوع اشاره نموده است؛ از جمله: «وَ إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَ فِينَا تَنَشَّبَتْ عُرُوقُهُ وَ عَلَيْنَا تَهَدَّلَتْ عُصُونُهُ؛ خ. ۲۳۳» ترجمه: ما فرمانروایان سخنییم و رگ و ریشه آن در میان ما استوار و محکم شده و شاخه‌هایش بر ما سایه افکنده است. و نیز: «خُصِّصْنَا بِخَمْسٍ: فَصَاحَةٍ، وَ...» به نقل از (جاحظ، ۱۹۶۸: ۹۴/۲). ترجمه: ما به پنج چیز مختص شدیم که یکی از آنها فصاحت است.

صاحب‌نظران بر این باورند که علی (ع) در صف مقدم فصیحان عرب بوده و همگان از فن بیان وی دچار اعجاب و شگفتی شده‌اند؛ به طوری که خود شریف رضی به هنگام گردآوری سخنان حضرت می‌گوید: «این کتاب، متضمن شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت است». (سید رضی، ۱۳۸۶: ۱۶) از عبدالحمید پرسیدند: «مَا الَّذِي خَرَجَكَ فِي الْبَلَاغَةِ؟ فَقَالَ: حَفِظْتُ كَلَامَ الْأَصْلَعِ يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ». ترجمه: چه چیزی موجب مهارت تو در بلاغت شد؟ در پاسخ گفت: حفظ سخنان اصلع، یعنی علی بن ابی‌طالب. نک: (تعالی، بی‌تا: ۱۹۷)، (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۵: ۲۴/۱ - ۲۵) و نیز نک: (عباس، ۱۹۸۸: ۵۵) ابن ابی‌الحدید (بی‌تا: ۲۲)، کلام علی (ع) را پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق توصیف می‌کند. عبدالرحیم بن نباته، اعتراف می‌کند که سرمایه فکری و ذوقی خود را از علی (ع) گرفته است: «حَفِظْتُ مِنَ الْخَطَابَةِ كُنْزاً لَا يَزِيدُهُ الْإِنْفَاقُ إِلَّا سِعَةً، حَفِظْتُ مِائَةَ فَصْلِ مِنْ مَوَاعِظِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»: ترجمه: گنجی از خطابه را حفظ کردم که بخشش از آن موجب گسترش و فزونی شد، من صد بخش از مواعظ علی (ع) را حفظ کردم. (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۵: ۲۴/۱ - ۲۵) ابن کثیر (۱۹۸۵: ۲۶۰/۱۲) از واعظی به نام محمد الفارقی نام می‌برد که آنقدر فصیح و بلیغ بود که سخنانش را مردم می‌نوشتند و کتابی از او به نام «حکم فارقی» به یادگار مانده است. ابن کثیر در ادامه می‌گوید: «این واعظ با همه توانایی که داشت خطبه‌های نهج البلاغه را حفظ می‌کرد.» مؤلف ناشناس فرائد السلوک که در اوائل قرن هفتم زیسته، برای توصیف علی (ع) از کلماتی استفاده می‌کند که جای تأمل دارد زیرا علی (ع) را فصیح‌ترین و آگاه‌ترین فرد عجم و عرب می‌داند، او در شرح عبارتی از آن حضرت می‌گوید: «این معنی را اسمح و اشجع عالم و افسح و اعلم عرب و عجم علی بن ابی‌طالب بیان می‌کند...». (فرائد السلوک، ۱۳۶۸: ۳۷۳)

در کنار چنین ارزشی که کلام امام علی (ع) داراست، سخنان ایشان و به ویژه نهج-البلاغه، در طول تاریخ همواره مورد توجه ادبا و شاعران قرار گرفته و هر یک از آنها تلاش نموده‌اند تا از الفاظ و معانی آن امام در نوشته‌ها و اشعار خویش بهره برده و آن سخنان را زینت‌بخش کلام خود نمایند. یکی از این ادبا، محمد بن ادریس شافعی، مؤسس مذهب شافعی بود که در شعر و ادب خود، توجه ویژه‌ای به سخنان حضرت علی (ع) داشته است. در این مقاله ضمن بررسی این موضوع، به دو سؤال زیر پاسخ خواهیم داد:

- آیا شافعی در اشعار خود، از کلام امام علی (ع) و نهج البلاغه اثر پذیرفته است؟
- گونه‌های اثرپذیری شافعی از سخنان امام (ع) به چه صورتی بوده است؟

۱.۱ شهرت سخنان علی (ع) قبل از تدوین نهج البلاغه

ممکن است این سؤال پیش آید که با وجود تقدم زمانی شافعی بر زمان تدوین نهج البلاغه، مقایسه اشعار شافعی با نهج البلاغه چگونه ممکن است در پاسخ باید گفت: قبل از گردآوری نهج البلاغه، سخنان علی (ع) به خاطر حکمت و فصاحتش، همواره مورد توجه مردم روزگار خود قرار گرفته و به صورت پراکنده در میان آنان منتشر شده بود. مسعودی (۱۳۸۴: ۲ / ۴۳۱) در این زمینه، چنین می‌نویسد: «آنچه مردم از خطابه‌های علی (ع) در مقامات مختلف حفظ کرده‌اند بیش از چهار صد و هشتاد و اندی است. علی (ع) آن خطبه‌ها را ارتجالاً انشا می‌کرد و مردم آن الفاظ را می‌گرفتند و هم عملاً از آن بهره‌مند می‌شدند». عسکری (۱۳۰۲: ۲۱۹) از جاحظ نقل می‌کند: امام علی (ع)، ۶ حکمت دارد که احدی مانند آن را نگفته و هر کدام مانند ۱۰۰۰ حکمت است؛ ۱- قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَحْسُنُهُ ۲- النَّاسُ اَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا ۳- لِسَانُكَ يَقْتَضِيكَ مَا عَوَّدْتَهُ ۴- رَجِمَ ا... امْرِئٍ عَرَفَ قَدْرَهُ ۵- لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ ۶- الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

وقتی از عبد الحمید پرسیدند: فصاحت را از که آموختی؟ گفت: هفتاد خطبه از خطبه‌های علی (ع) را حفظ کردم، این خطبه‌ها پی در پی چون چشمه‌هایی در ذهن من جوشید. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۲۰۵-۲۰۶) بدون شک ابن مقفع نیز که از دوستان نزدیک عبد الحمید بوده است، از کلام امام متأثر بوده است. نک: (سبزیان‌پور، ۱۳۸۷: ۵۵) این دیدگاه جاحظ و عبد الحمید از قراین شهرت سخنان امام علی (ع) قبل از تدوین نهج البلاغه است.

ابن واضح در کتاب «مشاکلة الناس لزمانهم» که آن را اندکی قبل از نهج البلاغه نوشته است، می‌گوید: «علی (ع) چهارصد خطبه دارد که در میان ما رایج است و مردم در سخنرانی‌ها از آنها استفاده می‌کنند» (نقل از امینی، ۱۴۰۱: ۱۷). شهیدی می‌گوید: «قرنها پیش از آنکه شریف رضی، خطبه‌ها و نامه‌ها و سخنان کوتاه امام را در کتاب «نهج البلاغه» گرد آورد ادیبان و نویسندگان عرب می‌کوشیدند تا آن سخنان را از بر کنند و معانی ابتکاری آن الفاظ را در قالب لفظهای دیگری بریزند». (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۷)

۲.۱ تأثیرپذیری نظم و نثر عرب از نهج البلاغه

تأثیر کلام مشعشع علی (ع) در ادب عربی، گسترده‌تر از آن است که در یک مقاله و طی یک کتاب به آن پرداخته شود. این تأثیر تا آنجا است که ابو تمام در اشعار خود صریحاً به کلام علی (ع) اشاره می‌کند و این نکته‌ای است که عسکری (بی‌تا: ۲۰۳) به آن اشاره کرده است. و ضیف (۱۹۶۶: ۲۵۰/۳) صریحاً اشعار ابو العتاهیه را متأثر از سخنان علی (ع) می‌داند. برای اطلاع از تأثیر سخنان علی (ع) در اشعار شاعران عرب، نک: (امینی، ۱۴۰۱: ۱۹-۴۳)، (میرزا محمد، ۱۳۸۲: ۳۲۹-۳۵۸) و (خاقانی، ۱۳۸۱: ۱۴۶-۱۶۳) و برای اطلاع از تأثیر نهج البلاغه در شعر معاصر عربی نک: (شیروی خوزانی، ۱۳۸۱: ۳۳۲-۳۳۱)، برای اطلاع از تأثیر نهج البلاغه در اشعار ابوالعتاهیه نک: (سبزیان پور، ۱۳۸۹: ۷۹-۱۰۰)

بنا به گفته شهیدی کلام امام علی (ع) عالی‌ترین نمونه نثر مصنوع عربی است، با یک نگاه گذرا به منابع قدیم عربی، به وضوح می‌توان احساس کرد که سخنان حکمت آمیز علی (ع) چون گوه‌های درخشان در لابلای متون دینی می‌درخشد، برای این منظور، کافی است فهرست اعلام کتاب‌های جاحظ، ابن قتیبه، تذکره حمدونیه (ابن حمدون)، ربیع الأنوار (زمخشری) و... را نگاه کنیم. برای آگاهی از تأثیر نهج البلاغه در کلیله و دمنه و ادب الصغیر، نک: (سبزیان پور، ۱۳۸۷: ۵۳-۷۱، همان، ۱۳۹۰: تأثیر حکمت ...: ۷۵-۵۵)

۳.۱ درباره شافعی (رح) و دیوان وی

ابوعبدالله محمد بن ادریس معروف به شافعی، در سال ۱۵۰هـ در شهر غزه متولد شد. در مدینه و مکه، فقه، تفسیر، حدیث و علوم روزگار خود را آموخت و از همان کودکی قریحه شاعری داشت. ۱۷ سال در میان قبیله بنی هذیل که از فصیح‌ترین قبائل عرب هستند

زندگی کرد تا زبان و لغت عربی را از آنها بیاموزد و با آنان در سفر و حضر همراه می شد تا لغت و شعر بیاموزد. دهها هزار از اشعار آنان را حفظ کرد. وی مؤسس مذهب شافعی است. نک: (حموی، بی تا: ۲۸۷/۱۷ - ۲۸۹؛ ابن خلکان، ۱۹۸۴: ۳۰۵/۳؛ ذهبی، ۱۹۹۰: ۳۰۵/۲۱ - ۳۰۶؛ اصبهانی، ۱۹۸۰: ۱۰۷/۹ و بیهقی، ۱۹۷۱: ۳۳۹/۱)

اولین کسی که اشعار شافعی را در کتابی مستقل جمع آوری کرد، احمد العجمی بود که آن مجموعه‌ی شعری را «نتیج الأفكار، فیما یعزی الی الإمام الشافعی من أشعار» نام گذاری کرد. بعد از عجمی، محمد مصطفی شاذلی اقدام به جمع آوری اشعار او کرد و نام آن را «الجواهر النفیس فی اشعار محمد بن ادریس» نهاد. نک: (الطباع، نقل از میرقادری، ۱۳۸۴: ۱۳۳) و قرن‌ها پس از وفات او، برای اولین بار اشعارش در سال ۱۹۰۳ جمع و منتشر شده است و این فاصله زمانی موجب اختلاف در انتساب برخی اشعار به شافعی شده است. (یعقوب، ۱۴۱۱: ۳۴)

شافعی در همه اشعارش سعی کرده اسلام و ارزش‌های والایش را به تصویر بکشد. از ویژگی‌های شعر او وضوح، سهولت و ایجاز است و به همین دلیل، قصیده ندارد و غالب اشعار او در لباس قطعات کوتاه است. شعرش مملو از محبت و نسبت به اهل بیت (ع) و اصحاب پیامبر (ص) است و از مضامین متداول و تقلیدی شعر مانند مدح و هجاء بدور است، نک: (مصطفی بهجت، ۱۳۸۰: ۱۴ - ۱۶). بر اساس قضاوت ابن رشیق، شعر او از حیث تفنّن، از زیباترین اشعار دوران خود بوده است. (امیدی، ۱۳۷۹: ۱۷۳)

۴.۱ پیشینه پژوهش

بررسی تأثیر سخنان گهربار و حکیمانه‌ی علی (ع) در شعر فارسی و عربی، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه ادبیات بوده است و ذکر همه تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، سخنی دراز می‌طلبد. برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از: «بینامتنی دیوان ابی العتاهیه با نهج البلاغه» از مرتضی قائمی (مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۱۳۸۷، صص ۱۵۷-۱۷۸)، «مضامین اخلاقی در بوستان و مقایسه آن با نهج البلاغه» از فریدون طهماسبی (پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، ۱۳۹۱، صص ۱۸۹-۲۱۸)، «حکمت‌های تعلیمی مشترک در شاهنامه فردوسی و نهج البلاغه» از عبدالعلی اویسی کهخا (پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، ۱۳۹۱، صص ۷۱-۹۳)، «بررسی مضامین مشترک نهج البلاغه و کشف المحجوب هجویری» از علی محمد مؤذنی و حسین حسینی درگاه (دهخدا، ۱۳۸۸، صص ۱۶۳-۱۸۰)، «روابط

بینامتنی نهج البلاغه با اشعار کلاسیک فارسی» از سیامک ظفری زاده و محمد خاقانی اصفهانی (پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱۳۹۴، صص ۳۵-۵۴)، «بررسی تطبیقی متون نهج البلاغه و اشعار حکمی سامی بارودی» از موسی عربی و سجاد عربی (پژوهشهای نهج البلاغه، ۱۳۹۵، صص ۲۹-۴۴)، «تأثیر حکمت‌های نهج البلاغه در ترجمه عربی کلیده و دمنه» از وحید سبزیان‌پور (نقد و ادبیات تطبیقی، ۱۳۹۰، صص ۷۵-۱۰۱)، «تأثیر کلام امام علی (ع) بر اشعار محمود وراق» از وحید سبزیان‌پور و فاروق نعمتی (پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۹۱، صص ۱۱۳-۱۳۷)، «تأثیر کلام امام علی (ع) در اشعار ابوالعتاهیه» از وحید سبزیان‌پور (پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۸۹، صص ۷۷-۹۸)، «تأثیر نهج البلاغه در گلستان سعدی» از وحید سبزیان‌پور (بیک نور، ۱۳۸۸، صص ۱۰۵-۱۲۵).

از سویی در زمینه واکاوی ادبیات امام شافعی و به ویژه بررسی و پژوهش در اشعارش، برخی مقالات و کتاب‌هایی نگاشته شده است؛ که از جمله می‌توان به مطالعات زیر اشاره نمود: مقاله «قراءة بلاغیة فی دیوان الإمام الشافعی» از نعمان شعبان علوان (مجله الجامعة الإسلامية، ۲۰۱۱، صص ۹۲۳-۹۷۲) که ضمن بیان برخی وقایع زندگی شافعی (رح)، برخی قصائد وی را از منظر علم بلاغت مورد بررسی قرار می‌دهد؛ مقاله «اهل بیت (ع) در دیوان امام شافعی» از سید فضل الله میرقادری (مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۱۳۸۴ش، صص ۱۲۷-۱۴۸) که ضمن نگاهی به زندگی و اشعار شافعی، اشعار وی در رابطه با اهل بیت (ع) را با مصادر اصلی و ترجمه فارسی و تحلیل بیان کرده است. همچنین «عبدالله احمدیان» در کتاب جامع خود «تجزیه و تحلیل زندگانی امام شافعی»، تا حدودی به بحث درباره حیات و آثار ایشان پرداخته است.

اما بر اساس اطلاعات موجود، تاکنون کنکاشی در مورد تأثیر سخنان امام علی (ع) بر اشعار محمدبن ادریس شافعی صورت نگرفته است و می‌طلبد که در این زمینه، پژوهشی در شعر وی صورت بگیرد.

۲. تأثیرپذیری شافعی از نهج البلاغه

شافعی در روزگاری دم از عشق به اهل بیت و حضرت علی (ع) می‌زد و اشعار سرشار از محبت به آنها می‌سرود که محب اهل بیت رسول خدا (ص)، به رافضی یعنی بدگوی شیخین متهم می‌شد (توکلی، ۱۳۶۱: ۹۴)، شافعی در منقبت امام علی (ع) و فرزندان،

اشعار نغز و زیبایی دارد که نشانه خلوص نیت وی آنهاست. هنگامی که از او راجع به آن حضرت پرسیدند، گفت:

أَنَا عَيْبٌ لَفَتَّتِي أَنْزَلَ فِيهِ «هَلْ أَتَى»
إِلَى مَتَى أَكْتُمُهُ إِلَى مَتَى؟ إِلَى مَتَى؟

(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۵۵)

ترجمه: من بنده‌ی آن جوانمردی هستم که سوره «هل اتی» در شأن او نازل شده است. تا کی آنرا پنهان کنم، تا کی؟ تا کی؟
در جایی دیگر می‌گوید:

إِذَا فِي مَجْلِسٍ نَذَرُ عَلِيًّا وَسِبْطِيهِ وَفَاطِمَةَ الزَّكِيِّهِ
يُقَالُ تَجَاوَزُوا يَا قَوْمُ هَذَا فَهَذَا مِنْ حَدِيثِ الرَّافِضِيِّهِ
بَرِئْتُ إِلَى الْمُهَيِّمِينَ مِنْ أَنْبَاسِ يَبْرُونَ الرَّفْضَ حُوبَ الْفَاطِمِيِّهِ

(شافعی، بی تا: ۱۲۴)^۱

ترجمه: چون در مجلسی از علی (ع) و دو فرزند او و فاطمه همسر (پاکش) یاد کنیم می‌گویند: ای مردم! این سخن‌ها را رها کنید. زیرا این سخن رافضیان است. از مردمی که عشق به فاطمه را رفض می‌دانند، بیزاری جسته به خدای بزرگ پناه می‌برم. با دقت نظر در دیوان شافعی و نیز سخنان به جای مانده از وی می‌توان مشاهده کرد که وی چگونه کلام امام (ع) را با اندکی تغییر، در قالب بیان مفهوم، اقتباس، تلمیح و تصویر، زینت بخش کلام خود کرده است. نمونه‌های زیر، تأثیرپذیری او از نهج البلاغه را در دو حوزه نظم و نثر نشان می‌دهد:^۲

۱.۲ نظم شافعی (اشعار)

۱.۱.۲ اثرپذیری واژگانی

در این شیوه، شاعر، واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه‌ی قرآنی یا روایی دارند. نک: (راستگو، ۱۳۸۰: ۱۵) در شواهد زیر، علاوه بر اشتراک مضمون، استفاده از واژه‌های نهج البلاغه، هرگونه تردیدی را در اقتباس این اشعار از کلام امام علی (ع)

منتفی می‌کند تا آنجا که می‌توان ادعا کرد ابیات شافعی، صورت منظوم کلمات علی (ع) است.

۱.۱.۱.۲ روزی جدید، رزق جدید

«فَلَا تَحْمَلْهُمْ سُنَّتِكَ عَلَيَّ هَمَّ يَوْمِكَ كَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ عَلَيَّ مَا فِيهِ... سَيُّؤَتِيكَ فِي كُلِّ غَدٍ
جدیدِ مَا قَسَمَ لَكَ؛ ق. ۳. ۳۷۹/۲؛ ترجمه: به فکر غم و غصه‌های فردا نباش... چرا که خداوند
متعال در هر روز جدیدی آنچه را که برای تو قسمت کرده، به تو می‌دهد.

وَلَا تَخْطُرْ هُمُومَ غَدٍ بِيَالِي فَإِنَّ غَدًا لَهُ رِزْقٌ جَدِيدٌ

(شافعی، بی تا: ۶۱)

ترجمه: هرگز غم فردا به دل من راه ندارد زیرا فردا، روزی جدیدی دارد.

۲.۱.۱.۲ آدمی در زیر زبان....

«الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ ق. ۱۴۸؛ ترجمه: انسان در زیر زبانش پنهان است.

وَالْمَرْءُ كَالْمَخْبُوءِ تَحْتَ لِسَانِهِ وَلِسَانُهُ لِيَابٌ مُغْلَقٌ مِفْتَاحُ

(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

ترجمه: انسان در زیر زبانش پنهان است و زبانش کلیدی برای در بسته‌ای است.

۳.۱.۱.۲ رزق مقدر

«قَسَمَ أَرْزَاقَهُمْ وَأَحْصَى آثَارَهُمْ وَأَعْمَالَهُمْ؛ خ. ۴/۹۰؛ ترجمه: رزقشان را تقسیم نمود و
آثار و کارهایشان را برشمرد.

فَفِي أَيِّ شَيْءٍ تَذْهَبُ النَّفْسُ حَسْرَةً وَقَدْ قَسَمَ الرَّحْمَنُ رِزْقَ الْخَلَائِقِ

(شافعی، بی تا: ۹۱)

ترجمه: نفس آدمی، حسرت چه چیزی را می‌خورد در حالیکه خدای رحمان روزی
بندگان را تقسیم کرده است.

۴.۱.۱.۲ انواع رزق

«و الرِّزْقُ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ؛ ق. ۳۷۹»؛ ترجمه: روزی دو نوع است: رزقی که تو آن را می‌جویی و رزقی که او، تو را می‌طلبد.

وَرِزْقٌ أَتَاكَ وَلَمْ تَطْلُبْهُ وَ لَا أَرْقُ الْعَيْنَ مِنْهُ الطَّالِبُ
(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۴۷)

ترجمه: چه بسیار است رزق و روزی ای که به تو رسیده و تو دنبال آن نبوده‌ای و (این درحالی است که) جوینده آن، چشم از آن برداشته است. (و به آن نرسیده است)

۵.۱.۱.۲ مذمت عیب جویی

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ؛ ق. ۳۵۳»؛ ترجمه: بزرگ‌ترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در تو وجود دارد، عیب بدانی.

عَجِبْتُ لِمَنْ يَبْكِي عَلَى عَيْبِ غَيْرِهِ دُمُوعاً وَ لَا يَبْكِي عَلَى عَيْبِهِ دَمًا
وَ أَعْجَبُ مَنْ هَذَا يَرَى عَيْبَ غَيْرِهِ صَغِيرًا وَ فِي عَيْنِهِ مِنْ عَيْبِهِ عَمِي
(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۱۵)

ترجمه: تعجب می‌کنم از کسی که برای عیب دیگران گریه می‌کند در حالیکه برای عیب خود، خون نمی‌گرید.

و عجیب‌تر اینکه عیب کوچک دیگران را می‌بیند ولی دو چشمش از دیدن عیب خودش نابیناست.

۶.۱.۱.۲ پایان شب سیه ...

«جَعَلَ لَهُمْ مِنْ مَضَائِقِ الْبَلَاءِ فَرَجًا؛ خ. ۱۹۲» ترجمه: برای آنان از تنگناهای مصیبت، فرج و گشایشی را قرار داد؛ «عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَّةِ تَكُونُ الْفُرْجَةُ وَ عِنْدَ تَضَائِقِ حَلْقِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الرَّخَاءُ؛ ق. ۳۵۱» ترجمه: در نهایت سختی گشایش حاصل می‌شود و به هنگام اوج مصیبت، راحتی حاصل می‌آید.

وَلَرَبُّ نَازِلَةٍ يَضِيقُ لَهَا الْفَتَى ذُرْعاً وَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْهَا الْمَخْرَجُ
ضَاقَتْ فَلَمَّا اسْتَحْكَمَتْ حَلَقَاتُهَا فُرِجَتْ وَ كُنْتُ أَظْنُهَا لَا تَفْرَجُ
(شافعی، ۱۳۸۰: ۲۵۶)

ترجمه: چه بسیار بلاها که آدمی به واسطه آنها، به تنگ می‌آید. در حالیکه گشایش و فرج آن نزد خداست.

هنگامی که حلقه‌های بلا و مصیبت تنگ می‌شود، گشایش و فرج، رخ می‌دهد در حالی که من گمان می‌کردم که فرجی در کار نیست.

۷.۱.۱.۲ ارزش تقوی

«لَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ ق. ۱/۳۷۱»؛ ترجمه: هیچ عزتی محکم‌تر از تقوا نیست.

فَمَا ضَرَّ التَّقْوَى نِصَالُ أَسِنَّةٍ وَمَا زَالَ ذُو التَّقْوَى أَعَزَّ وَأَكْرَمًا
(شافعی، ۱۳۸۰: ۲۸۰)

ترجمه: هرگز نوک نیزه به پرهیزگاری ضرر نمی‌رساند و پیوسته انسان باتقوا و پرهیزگار، عزیز و گرامی است.

۸.۱.۱.۲ عیب خود دیدن

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ؛ خ. ۳۵/۱۷۶»؛ ترجمه: ای مردم! خوشا به سعادت کسی که مشغول بودن (تأمل کردن) به عیب خودش، او را از (مشغول شدن به) عیب‌های مردم باز می‌دارد. «مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ؛ ق. ۳۴۹»؛ ترجمه: هر کس به عیب‌های خود بنگرد، از عیب دیگری رویگردان می‌شود.

الْمَرْءُ إِنْ كَانَ عَاقِلًا وَرِعًا أَشْغَلَهُ عَنْ عُيُوبِ غَيْرِهِ وَرَعَهُ
(شافعی، بی تا: ۸۵)

ترجمه: انسان اگر عاقل و پرهیزگار باشد، تقوایش او را از (جستجوی در) عیوب دیگران باز می‌دارد.

۹.۱.۱.۲ ناپایداری دنیا

«أَلَا وَ إِنَّهَا لَيْسَتْ بِبَاقِيَةٍ لَكُمْ وَ لَا تَبْقَوْنَ عَلَيْهَا؛ خ. ۷/۱۷۳»؛ ترجمه: آگاه باشید که آن (دنیا) برای شما باقی نمی‌ماند و شما (نیز) در آن پایدار نمی‌مانید.

يَا مَنْ يُعَانِقُ دُنْيَا لَا بَقَاءَ لَهَا يُمَسِي وَيُصْبِحُ فِي دُنْيَاهُ سِفَارًا
(شافعی، ۱۳۸۰: ۷۶)

اثرپذیری شعر و نثر امام شافعی از سخنان امام علی (ع) ۵۷

ترجمه: ای کسی که دنیایی را که بقائی ندارد، در آغوش می‌گیری و شب و روز در اندیشه آنی و برای رسیدن به آن پیوسته در حرکت و سفری.

۲.۱.۲ اشتراک در تصویر

در نمونه‌های زیر از عناصر تصویرساز مشترک در کلام علی (ع) و شافعی آمده است:

۱.۲.۱.۲ تشبیه زبان به حیوان درنده

تشبیه زبان به حیوان گزنده، تصویری است از این کلام امام «اللِّسَانُ سَبْعٌ إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقْرٌ؛ ق. ۶۱»؛ ترجمه: زبان مانند حیوان درنده‌ای است، اگر رها شود، صاحبش را می‌درد و می‌کشد.

إِحْفَظْ لِسَانَكَ أَتُّهَا الْإِنْسَانُ لَا يَلِدُغَنَّكَ إِنَّهُ تُبَانُ
(شافعی، بی تا: ۱۱۶)

ترجمه: ای انسان! زبانت را حفظ کن (احتیاط کن)، که تو را نگزد، زیرا زبان چون ماری بزرگ است.

۲.۲.۱.۲ تشبیه مرگ، به مستی

امام (ع) در چندین مورد، مرگ را به مستی تشبیه نموده است از جمله: «اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِمْ خَلْتَانِ: سَكْرَةُ الْمَوْتِ، وَ حَسْرَةُ الْفَوْتِ؛ خ. ۱۰۹-۱۱۸»؛ ترجمه: مستی مرگ و حسرت از دادن فرصت بر آنان جمع شد. و «(الموت) فَيُوشِكُ أَنْ تَغْشَاكُمْ دَوَاجِی ظُلُلِهِ وَ احْتِدَامَ عَلَلِهِ وَ حَنَادِسُ عَمْرَاتِهِ وَ غَوَاشِي سَكْرَاتِهِ؛ خ. ۲۳۰»؛ ترجمه: چقدر نزدیک است که سایه‌های مرگ و شدت دردهای آن و تیرگی بیهوشی‌ها و ظلمت سكرات، شما را در بر بگیرد.

شافعی نیز در بیت زیر، چنین تشبیهی برای مرگ دارد:

كُلُّ امْرِئٍ لَاقٍ مِنَ الْمَوْتِ سَكْرَةً لَهَا سَاعٌ فِيهَا يُذَلُّ وَيَخْضَعُ
(شافعی، ۱۳۸۰: ۹۴)

ترجمه: هر کسی با مستی مرگ روبرو شود و در مقابل آن تلاش کند، ذلیل و مطیع می‌گردد.

۳.۲.۱.۲ تشبیه دنیا به مردار

امام (ع) طعام دنیا را به مردار تشبیه کرده‌اند: «فَهِيَ مُتَجَهَّمَةٌ لِأَهْلِهَا عَابِسَةٌ فِي وَجْهِ طَالِبِهَا ثَمَرُهَا الْفِتْنَةُ وَطَعَامُهَا الْجِيفَةُ؛ خ. ۱۸۹»؛ ترجمه: پس آن (دنیا) در برابر خواهان آن، چهره‌ای عبوس دارد، ثمرش فتنه و غذایش مردار است.

همین تصویر در مصراع اول بیت زیر نیز دیده می‌شود:

وَمَا هِيَ إِلَّا جِيفَةٌ مُسْتَحِيلَةٌ عَلَيْهَا كِلَابٌ هُمُّنٌ اجْتَذَبُهَا

(شافعی، بی تا: ۴۵)

در مصراع دوم، شافعی، دنیا دوستان را به سگانی تشبیه کرده که بر مرداری گرد آمده می‌خواهند سهمی از آن داشته باشند. این عبارت شباهت به سخن امام علی (ع) دارد: «إِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَّةٌ، وَسِبَاعٌ ضَارِيَّةٌ، يَهْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضِهَا، وَيَأْكُلُ عَزِيزُهَا ذَلِيلَهَا، وَيَقْهَرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا؛ ق ۳۱»؛ ترجمه: همانا دنیا دوستان مانند سگانی پارس کننده و حیواناتی درنده هستند که برخی، برخی دیگر را می‌درند و قوی‌ترهایش کسانی را که ضعیف هستند می‌خورند و بزرگ‌ترهایش بر کوچک‌ترها، چیره می‌شوند.

۴.۲.۱.۲ فریبندگی دنیا

امام (ع) بارها دنیا را غروری باطل و فریبنده معرفی کرده است: «تَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ وَتَزَيَّتْ بِالْغُرُورِ؛ خ. ۱۱۱»؛ ترجمه: دنیا با آرزوها و (انواع) غرور، مزین شده است؛ «أُيِّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُعْتَرُ بِغُرُورِهَا الْمُنْخَدِعُ بِأَبْطِيلِهَا أْتَعْتَرُ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَدْمُهَا؛ ق. ۱۳۱»؛ ترجمه: ای نکوهش کننده دنیا که خود فریب و عده‌های دروغ آن را خورده‌ای و به نویدهای باطل آن، در خدعه و نیرنگ قرار گرفته‌ای و با این حال به بدگویی از آن پرداخته‌ای. و «فَاخْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوع. خ ۲۰۳-۱۲»؛ ترجمه: از دنیا دوری کنید زیرا دنیا خیانتکار، فریبکار و حيله‌گر است.

همین تصویر از دنیا در شعر شافعی نیز به چشم می‌خورد:

فَلَمْ أَرَهَا إِلَّا غُرُورًا بَاطِلًا كَمَا لَاحَ فِي ظَهْرِ الْفَلَاسِرِهَا

(شافعی، بی تا: ۴۵)

ترجمه: پس آن را جز غرور باطلی نمی‌بینم، همانطور که به هنگام ظهر، سراب در بیابان، آشکار می‌شود.

۳.۱.۲ اقتباس

در تعریف اقتباس و تضمین آمده که: «گوینده، گزاره‌ی قرآنی یا روایی را بی‌هیچ گونه تغییری یا با اندک تغییری در تنگنای وزن و قافیه در سخن خود جای دهد». (راستگو، ۱۳۸۰: ۳۰) در نمونه‌های زیر می‌بینیم که شافعی سخنان علی (ع) را در واقع از حالت نثر به نظم در آورده است.

۱.۳.۱.۲ سکوت در برابر نادان

امام (ع)، سکوت در برابر نادان را باعث مصون ماندن آبروی عاقل می‌داند: «وَالْحِلْمُ فِدَامُ السَّفِيهِ؛ ق ۱۱۳»؛ ترجمه: بردباری، دهان‌بند نادان است. «وَبِالْحِلْمِ عَنِ السَّفِيهِ تَكْتُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ؛ ق. ۲۲۳»؛ ترجمه: با بردباری در مقابل سفیهان، شمار یاران و حامیان انسان، برای برابری با آن سفیهان، بسیار می‌گردد.

شافعی نیز با بهره‌گیری از این سخنان امام (ع)، چنین می‌سراید:

وَالصَّمْتُ عَنِ جَاهِلٍ أَوْ أَحْمَقٍ شَرَفٌ وَفِيهِ أَيْضاً لَصَوْنُ الْعِرْضِ إِصْلَاحٌ
(شافعی، بی‌تا: ۸۸)

ترجمه: و سکوت در برابر نادان یا احمق، شرف و بزرگی است و نیز باعث حفظ آبروی انسان می‌شود.

۲.۳.۱.۲ طمع

۱.۲.۳.۱.۲ - طمع عامل خواری انسان

امام (ع) همواره در جاهای مختلف طمع کاری را نکوهش کرده و آن را موجب ذلت و خواری دانسته است: «الطَّمَعُ فِي وَتَاقِ الذُّلِّ»؛ ۲۲۶؛ ترجمه: طمعکار، در بند ذلت است. و «أَزْرَى بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ؛ ق. ۲»؛ ترجمه: هر کس طمع ورزی را شعار خود قرار دهد، خویشتن را خوار و زیون کرده است.

این سخنان امام (ع)، الهام بخش شافعی در سرودن بسیاری از اشعارش بوده است از جمله:

أُمَّتٌ مَطْمَعِي فَأَرَحْتُ نَفْسِي فَإِنَّ النَّفْسَ مَا طَمَعَتْ تَهُونُ
(شافعی، بی‌تا: ۱۱۶)

ترجمه: طمع‌هایم را (در خودم) کشتم و خودم را آسوده کردم زیرا نفس تا زمانی که طمع می‌ورزد، خوار و ذلیل است.

العَبْدُ حُرٌّ إِنْ قَنَّعَ وَالْحُرُّ عَبْدٌ إِنْ طَمَعَ
فَأَقْنَعُ وَلَا تَطْمَعُ فَلَا شَيْءَ يَشِيئُ سِوَى الطَّمَعِ

(همان: ۸۶)

ترجمه: بنده آزاد است اگر قانع باشد و آزاد، بنده است اگر طمع بورزد. پس قانع باش و طمع نورز زیرا چیزی جز طمع، موجب عیب و ننگ نیست.

۲.۲.۳.۱.۲ - طمع عامل هلاکت انسان

امام (ع) طمع کاری را باعث هلاکت انسان دانسته و در این زمینه فرموده است: «وَإِيَّاكَ أَنْ تُوجِفَ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ فَتُورِدَكَ مَنَاهِلَ الْهَلَاكَةِ؛ ن. ۳۱»؛ ترجمه: پرهیز از اینکه مرکب طمع ورزی تو را به سوی هلاکت به پیش راند.

شافعی نیز چنین دیدگاهی در مورد طمع ورزی دارد:

دَعَى عَنكَ الْمَطَامِعَ وَالْأَمَانِي فَكَلِمَ أُمْنِيَّةٍ جَلَبَتَ مَنِيَّةَ

(شافعی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

ترجمه: (ای نفس) طمع‌ها و آرزوها را از خود دور کن، چه بسیارند آرزوهایی که موجب مرگ می‌شوند.

۳.۳.۱.۲ علم با عمل

امام (ع) همواره، توجه دانش‌آموختگان را به عمل فرا می‌خواند: «أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَقِفَ عَلَى اللِّسَانِ؛ ق. ۹۲»؛ ترجمه: پست‌ترین علم آن است که فقط بر زبان جاری شود. «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ؛ ق. ۳۶۶»؛ ترجمه: علم و عمل، پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست، باید عمل کند، چرا که علم، عمل را فرا خواند، اگر پاسخ داد می‌ماند و گرنه کوچ می‌کند. و «فَإِنْ رُوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَاتُهُ قَلِيلٌ؛ ق. ۹۸»؛ ترجمه: پس راویان علم چه بسیارند و عمل‌کنندگان به آن چه اندکند. شافعی این سخنان امام (ع) را خمیرمایه‌ی شعر خود قرار داده و به همین سبب شرط فقیه بودن را در عمل به علم او دانسته است:

اثرپذیری شعر و نثر امام شافعی از سخنان امام علی (ع) ۶۱

إِنَّ الْفَقِيهَ هُوَ الْفَقِيهَ بِفِعْلِهِ لَيْسَ الْفَقِيهَ بِنُطْقِهِ وَمَقَالِهِ

(شافعی، بی تا: ۹۹)

ترجمه: به راستی فقیه کسی است که در عمل فقیه، باشد نه کسی که فقط در گفتار فقیه باشد.

۴.۳.۱.۲ ناپایداری شادی و ماندگاری غم دنیا

ناپایداری شادی و ماندگاری غم دنیا از جمله اموری هستند که علی (ع) نیز به آن اشاره کرده است: «لَا يَدُومُ رَخَاوُهَا وَلَا يَنْقُضِي عَنَاوُهَا؛ خ. ۲۳۰»؛ ترجمه: آسایش آن (دنیا) پایدار نمی ماند و سختی هایش تمام نمی شود.

و شافعی در این زمینه می گوید:

مِخْنُ الزَّمَانِ كَثِيرٌ لَا تَقْضِي وَسُرُورُهُ يَأْتِيكَ كَالْأَعْيَادِ

(شافعی، بی تا: ۶۱)

ترجمه: سختیهای روزگار، بسیار است و پایانی ندارد در حالیکه شادی آن همانند عید، (سالی یک بار) می آید.

۵.۳.۱.۲ دگرگونی روزگار

امام (ع) از یک سو بر ناامید نشدن و از دیگر سو بر فریفته نشدن بر روزگار تأکید داشتند: «الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ؛ ق. ۳۹۶»؛ ترجمه: روزگار، دو روز است؛ روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو.

شافعی نیز همین دیدگاه را در مورد روزگار و حوادث آن دارد:

الدَّهْرُ يَوْمَانِ ذَا أَمْنٍ وَ ذَا خَطَرٍ وَالْعَيْشُ عَيْشَانِ ذَا صَفْوٍ وَ ذَا كَدَرٍ

(شافعی، بی تا: ۶۳)

ترجمه: روزگار دو روز است؛ روزی، ایمنی دارد و روزی، خطرناک است و زندگی نیز دو نوع است، یکی روشن و دیگری تیره.

۶.۳.۱.۲ خطر آرزوی طولانی

امام (ع) آرزو را موجب غفلت انسان از یاد خدا می‌داند: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْلَ يُسْهِى الْعَقْلَ وَ يُنْسِي الذِّكْرَ؛ خ ۸۶-۱۴»؛ ترجمه: آرزو، عقل را سبک کرده و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد.

شافعی نیز آرزو را بازیچه‌ای می‌داند که نادان را مشغول و غافل از حقیقت می‌کند:

الْهَى جَهَّوْلاً أَمْلَهُ يُمُوتُ مَنْ جَا أَجْلَهُ

(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۹۷)

ترجمه: آرزو نادان را مشغول کرده است، هر کس چون اجلش فرا برسد می‌میرد.

۷.۳.۱.۲ همشینی

۱.۷.۳.۱.۲ - خطر همشینی با شاهان^۶

همشینی با شاهان ستمکار، جز مصیبت چیزی به همراه ندارد. علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«صَاحِبُ السُّلْطَانِ كَرَائِبِ الْأَسَدِ - يُغْطِ بِمَوْقِعِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَوْضِعِهِ؛ ق. ۱۶۳»؛ ترجمه: هم‌کاب پادشاه مانند سوار شونده بر شیر است، به جایگاه او غبطه خورده می‌شود در حالی که او بهتر از هر کسی می‌داند که در چه جایگاه (خطرناکی) است.

شافعی نیز در این زمینه چنین می‌سراید:

إِنَّ الْمُلُوكَ بَلَاءٌ حَيْثُمَا حَلَّوْا فَلَا يَكُنْ لَكَ فِي أُبُوهِمْ ظِلٌّ
مَاذَا تَوَّسَّلُ مِنْ قَوْمٍ إِذَا غَضِبُوا جَارُوا عَلَيْكَ وَإِنْ أَرْضَيْتَهُمْ مَلَّوْا

(شافعی، بی‌تا: ۱۰۰)

ترجمه: به درستی شاهان هر جا که وارد شوند، بلا و مصیبت‌اند و نباید در دربار آنان برای تو سایه‌ای باشد.

چه امیدی به قومی داری که اگر خشمگین شوند به تو ستم می‌کنند و اگر آنان را خشنود کنی آزرده خاطر می‌شوند.

۲.۷.۳.۱.۲ - همشینی با دانشمندان

امام (ع) همواره مالک اشتر را به همشینی و هم‌کلامی با دانشمندان سفارش می‌کرده است: «وَ أَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مَنَاقِشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَنْبِيهِتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِلَادِكِ؛ ن. ۵۳»؛

اثرپذیری شعر و نثر امام شافعی از سخنان امام علی (ع) ۶۳

ترجمه: در جلسات درس دانشمندان و اساتید زیاد به گفتگو بنشین و با حکماء و اندیشمندان نیز بسیار به بحث و بررسی پرداز که وضع کشور را اصلاح می‌کند. و شافعی نیز در این باره چنین می‌گوید:

وَ خَالِطِ رُؤَا الْعِلْمِ وَ اصْحَابِ خِيَارِهِمْ فَصُحْبَتُهُمْ نَفْعٌ وَ خِلَاطُهُمْ غِنَمٌ
(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۱۸)

ترجمه: با دانشمندان هم‌نشین باش و با بهترین آنها مصاحبت کن زیرا هم‌نشینی با آنان مفید و ارزشمند است.

۸.۳.۱.۲ ارزش تواضع

امام (ع) تواضع را موجب بزرگی و نشانه اصالت شخص می‌داند: «وَلَا حَسَبَ كَالْتَوَاضِعِ؛ ق. ۱۱۳»؛ ترجمه: هیچ مباهات و افتخاری (به آباء و اجداد) مانند فروتنی نیست. و شافعی در این زمینه می‌گوید:

أَهْنِ لُهُمْ نَفْسِي وَأَكْرِمُهَا بِهِمْ وَلَا تُكْرِمِ النَّفْسُ الَّتِي لَا تَهِينَا
(شافعی، بی‌تا: ۱۱۷)

ترجمه: من در برابر آنان فروتنی می‌کنم و با این کار، حرمت خود را بالا می‌برم زیرا کسی که متواضع نباشد، به بزرگی نمی‌رسد.

۹.۳.۱.۲ اهمیت قناعت

امام (ع)، قناعت را بالاترین ثروت معرفی کرده‌اند: «لَا كَنْزَ أَغْنِي مِنَ الْقَنَاعَةِ؛ ق. ۳۷۱»؛ ترجمه: هیچ گنجی، غنی‌تر از قناعت نیست. شافعی نیز در این زمینه چنین می‌سراید:

رَأَيْتُ الْقَنَاعَةَ رَأْسَ الْغِنَى فَصِرْتُ بِأَذْيَالِهَا مُتَمَسِّكٌ
(شافعی، بی‌تا: ۹۵)

ترجمه: قناعت را سر آغاز بی‌نیازی دیدم پس دامنش را گرفتم.

۱۰.۳.۱.۲ زشتی درخواست از فرومایه

زشتی درخواست از فرومایه، همواره در کلام امام (ع) موج می‌زند: «فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلِبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا؟» ق. ۶۶؛ مَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ؛ ن. ۳۱-۹۱؛ ترجمه: از دست دادن چیز مورد نیاز آسان‌تر از درخواست آن از افراد ناهلش است؛ تلخی ناامیدی بهتر از خواستن (چیزی) از مردم است.

أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَرَضِخُ النَّوَى وَ شَرِبُ مَاءِ الْقَلْبِ الْمَالِحِ
أَحْسَنُ بِالْإِنْسَانِ مِنْ حِرْصِهِ وَ مِنْ سُؤَالِ الْأَوْجَعِ الْكَالِحِ

(شافعی، بی تا: ۵۶)

ترجمه: به خدا سوگند، خرد کردن (جویدن) هسته خرما و نوشیدن آب چاه شور، برای انسان بهتر از آزمندی و درخواست از کسانی است که چهره‌ای عبوس دارند.

۱۱.۳.۱.۲ حتمی بودن قضا و قدر

امام (ع) در موارد بسیاری از غالب بودن قضا و قدر بر امور سخن گفته‌اند: «تَذِلُّ الْأُمُورُ لِلْمَقَادِيرِ حَتَّى يَكُونَ الْحَتْفُ فِي التَّدْبِيرِ؛ ق. ۱۵»؛ ترجمه: کارها و چاره‌جویی‌ها در برابر تقدیرات الهی، خوار می‌گردد تا آن حد که گاهی چاره‌جویی انسان، موجب هلاکت او می‌شود.

الْهَمُّ فَضْلٌ وَالْقَضَا غَالِبٌ وَ كَاتِنٌ مَا خُطَّ فِي اللُّوحِ

(شافعی، ۱۳۸۰: ۶۸)

ترجمه: غم و اندوه بی‌فایده است در حالی که قضا غالب و مشرف (بر حوادث) است و هر آنچه که در لوح محفوظ نوشته شده، اتفاق می‌افتد.

۱۲.۳.۱.۲ تشخیص حق از باطل

امام (ع) یکی از راههای تشخیص راه درست از غلط را مخالفت با هوای نفس دانسته و در این زمینه از دوستی نیک کردار سخن می‌گوید که چند ویژگی خوب دارد از جمله: «وَ كَانَ إِذَا بَدَّهَهُ أَمْرَانِ نَظَرَ أُيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى الْهُوَى فَخَالَفَهُ؛ ق. ۲۸۹»؛ ترجمه: اگر (انجام) دو کار بر او مشتبه شد در آن دو بیندیشد که کدام یک از آنها به هوای نفس نزدیک‌تر است پس با آن مخالفت نماید.

شافعی نیز به شکل تلمیح به این سخن امام (ع) اشاره کرده است:

اثرپذیری شعر و نثر امام شافعی از سخنان امام علی (ع) ۶۵

وَ لَمْ تَدْر حَيْثُ الْخَطَا وَ الصَّوَابِ إِذَا حَارَ ذَهْنُكَ فِي مَعْنِيَيْنِ
يُقُودُ النَّفُوسَ إِلَى مَا يُعَابِ فَخَالَفَ هَوَاكَ فَإِنَّ الْهَوَى

(شافعی، بی تا: ۴۳)

ترجمه: هرگاه ذهنت در انجام دو کار مردد شد، و از تشخیص درست و غلط عاجز شدی.

پس با هوای نفست مخالفت کن زیرا هوی و هوس، نفس را به سوی چیزی می کشاند که مایه ننگ و عیب است.

۱۳.۳.۱.۲ سخاوت، پوشاننده عیب^۹

حضرت علی (ع)، سخاوت را مایه حفظ آبرو دانسته و در این زمینه می فرماید: «الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ؛ ق. ۲۱۱»؛ ترجمه: بخشش نگهبان آبروهاست. شافعی نیز چنین نظری دارد:

وَإِنْ كَثُرَتْ عُيُوبُكَ فِي الْبَرَايَا وَسَرَّكَ أَنْ يَكُونَ لَهَا غِطَاءُ
تَسْتَرُّ بِالسَّخَاءِ فَكُلُّ عَيْبٍ يُعْطِيهِ كَمَا قِيلَ السَّخَاءُ

(شافعی، بی تا: ۳۵)

ترجمه: اگر در میان مردم، عیب بسیار داری و می خواهی که پوششی بر آنها قرار گیرد. با استفاده از سخاوت، (عیب های خود را) بپوشان، پس همانگونه که گفته شده است، سخاوت، هر عیبی را می پوشاند.

۱۴.۳.۱.۲ راحتی پس از سختی

امام علی (ع) به فرج پس از سختی اعتقاد راسخ داشتند: «... وَأَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِنْصَابِهَا؛ خ. ۱۹۸»؛ ترجمه: و سختی ها پس از نزولشان، برای او آسان می شوند. شافعی در این زمینه چنین سروده است:

سَيُفْتَحُ بَابٌ إِذَا سُدَّ بَابٌ نَعْمَ وَ تَهْوَنُ الْأُمُورُ الصَّعَابُ

(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۴۶)

ترجمه: اگر دری بسته شود دری باز خواهد شد آری، کارهای سخت آسان می شود.

۱۵.۳.۱.۲ انواع دوستان

«أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ صَدِيقُكَ وَصَدِيقُ صَدِيقِكَ وَعَدُوُّ عَدُوِّكَ»؛ ق. ۲۵۹؛ ترجمه: دوستان تو سه گروه هستند: دوست، دوستِ دوست و دشمنِ دشمن.

صَدِيقُكَ مَنْ يُعَادِي مَنْ تُعَادِي بِطُولِ الدَّهْرِ مَا سَجَعَ الْحَمَامُ
(شافعی، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

ترجمه: دوست تو کسی است که با کسی که تو با او دشمنی داری، در طول روزگار تا زمانی که کبوتران نغمه‌خوانی می‌کنند، دشمنی می‌ورزد.

۲.۲ نثر شافعی

شافعی علاوه بر اشعار حکمت‌آموز، سخنان حکمی بسیاری نیز با نام «قصار کلمات الشافعی» به نثر دارد که در آنها تأثیر پذیری وی از کلام امام (ع) مشهود است.

۱.۲.۲ اقتباس واژگانی (بدون تغییر لفظ)

در نمونه‌های زیر علاوه بر معنا و مفهوم، عین لفظ نیز از احادیث علی (ع) اقتباس شده است:

۱.۱.۲.۲ بدترین توشه، دشمنی با مردم

امام علی (ع): «بِئْسَ الزَّادُ إِلَى الْمَعَادِ الْعُدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ؛ ق. ۲۲۱؛ ترجمه: چه بد توشه‌ای است برای روز قیامت، دشمنی با بندگان خدا.

بئس الزاد الى المعاد العدوان على العباد. (نقل از عبدالرحیم، ۲۰۰۵: ۶۲)^{۱۱}

۲.۱.۲.۲ لزوم رازداری

«مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ؛ ق. ۱۶۲؛ ترجمه: هر کس رازش را پنهان کند اختیارش در دست خودش است.

مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ فِي يَدِهِ. (نقل از احمدیان، ۱۳۷۵: ۳۳۲)

۲.۲.۲ اقتباس واژگانی (با تغییر لفظ)

۱.۲.۲.۲ توصیه به آرامش

«وَأَرْفُقُ مَا كَانَ الرَّفِيقُ أَرْفُقُ؛ ن. ۴۶»؛ ترجمه: در آنجا که مدارا بهتر است، مدارا کن. شافعی به فرزند خود، محمد چنین می‌گوید: «رَفُقًا رَفُقًا فَإِنَّ الْعَجَلَ تَنْقِصُ الْأَعْمَالَ وَ بِالرَّفْقِ تُدْرِكُ الْأَمَالَ». (نقل از احمدیان، ۱۳۷۵: ۳۳۲) ترجمه: آرام آرام (کارها را انجام بده)، زیرا عجله، کارها را ناقص کرده و (این درحالی است که) با آرامی و آهستگی، آرزوها دست یافتنی می‌شوند.

۲.۲.۲.۲ ارزش تقوی

«خَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى؛ ق. ۱۳۰»؛ ترجمه: بهترین توشه، تقوا است. أَنْفَعُ الذَّخَائِرِ التَّقْوَى. (نقل از عبد الرحیم، ۲۰۰۵: ۵۳) «لَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ ق. ۳۷۱»؛ ترجمه: هیچ عزتی ارزشمندتر از تقوا نیست. مَنْ لَمْ تُعِزَّهُ التَّقْوَى، فَلَا عِزَّ لَهُ (نقل از عبد الرحیم، ۲۰۰۵: ۵۴) ترجمه: هر که تقوا به او عزت ندهد، هیچ عزتی ندارد.

۳.۲.۲.۲ تعریف ایمان

«الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ ق. ۲۲۷»؛ ترجمه: ایمان عبارت است از؛ معرفت به قلب، اقرار به زبان و عمل به اعضا و جوارح. إِنَّ الْإِيمَانَ قَوْلٌ وَاعْتِقَادٌ وَاعْتِمَادٌ وَعَمَلٌ. (نقل از رازی، ۱۴۲۹: ۹۵) ترجمه: همانا ایمان، عبارت است از: سخن و اعتقاد و عمل.

۴.۲.۲.۲ همنشینی با نادان

«إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ؛ ق. ۳۸»؛ ترجمه: با انسان احمق دوستی ممکن. إِيَّاكَ وَ مُخَالَطَةَ السُّفَهَاءِ. (نقل از عبدالرحیم، ۲۰۰۵: ۵۳) ترجمه: از هم‌نشینی با نابخردان دوری کن.

۳.۲.۲ معنا و مضمون

۱.۳.۲.۲ ارزش آزادگی

«وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ ن. ۳۱»؛ ترجمه: بنده غیر خودت نباش در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است.

شافعی نیز در این زمینه چنین عبارتی دارد: إِنَّ... خَلَقَكَ حُرّاً فَكُنْ كَمَا خَلَقَكَ. (نقل از احمدیان، ۳۳۱) ترجمه: خداوند تو را آزاد آفرید، پس همانطوری باش که آفریده شده‌ای.

۲.۳.۲.۲ اهمیت سخن به موقع

«الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ؛ ق. ۳۸۱؛ ترجمه: سخن در بند توست تا زمانی که صحبت نکنی و چون سخن گفتی تو در بند آنی. إِذَا تَكَلَّمْتَ فِيمَا لَا يَعْينِكَ مَلِكُتِكَ الْكَلِمَةُ، وَلَمْ تَمْلِكْهَا. (نقل از عبدالرحیم، ۲۰۰۵: ۵۳)

۳.۳.۲.۲ ارزش علم با عمل

الْعِلْمُ مَا نَفَعَ لَيْسَ الْعِلْمُ مَا حُفِظَ. همان: ۵۶؛ ترجمه: علم آن است که سود دهد نه (آن علمی) که (فقط) حفظ شود.

پیشینه‌ی این سخن شافعی می‌تواند در این حدیث باشد: «لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَّا يَنْفَعُ وَلَا يُتَنَفَعُ بِعِلْمٍ لَّا يَحِقُّ تَعَلُّمُهُ؛ ن. ۳۱؛ ترجمه: هیچ خیری در علمی که نفعی نمی‌دهد وجود ندارد و از علمی که سزاوار یادگیری نیست، سودی حاصل نمی‌آید.

۳. نتیجه‌گیری

شافعی تنها شاعری نیست که از چشمه زلال حکمت، فصاحت و بلاغت علی (ع) سیراب شده است. نمونه‌هایی که در این مقاله ارائه شد از یک سو نشان از قافله سالاری علی (ع) در میدان فرهنگ و ادب دارد و از دیگر سو بیانگر ارادت و عشق و اخلاص یکی از پیشوایان مذاهب اربعه اهل سنت در پیشگاه آن حضرت است. هر چند نمی‌توان با اطمینان کامل و بدون هیچ گونه تردیدی مدعی شد که شافعی در همه شواهد موجود در این مقاله، مستقیماً از کلام امام علی (ع) بهره‌مند شده، اما می‌توان ادعا کرد که شباهت این مضامین با عبارات نهج البلاغه آنقدر زیاد است که کسی نمی‌تواند منکر آن شود. آنچه ممکن است موجب تردید در اقتباس برخی از این شواهد شود، شیوع و شهرت برخی عبارات نهج البلاغه است که به صورت ضرب‌المثل در میان مردم رواج داشته و حضرت از آنها استفاده کرده است. البته شباهت مضامین اشعار شافعی با نهج البلاغه به موارد مذکور در این مقاله ختم نمی‌شود و برای نمونه به چند مضمون مشترک دیگر اشاره می‌کنیم: تشبیه دنیا به حیوان درنده: (شافعی، بی تا: ۸۱)، (نهج البلاغه: خ. ۱۰۱)؛ تشبیه صبر و اسلام به سپر:

(شافعی بی تا: ۱۱۸)، (نهج البلاغه، خ. ۱۰۶)؛ تشبیه دنیا به مار سمی: (شافعی، ۱۳۸۰: ۹۴)، (نهج البلاغه: ق. ۱۱۹)؛ عاقبت بد ستم (شافعی، بی تا: ۴۱)، (نهج البلاغه: خ. ۹۷)؛ نامحدود بودن دانش (شافعی، ۱۳۸۰: ۲۰۴)، (نهج البلاغه: ق. ۲۰۵).

پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به ذکر است که از شافعی چند دیوان به چاپ رسیده که با هم تفاوت دارند، در این مقاله از چاپ‌های مختلف آن استفاده شده است.
۲. بسیاری از مفاهیم دینی از جمله اعتقاد به خدا، نبوت، رستاخیز، مکافات عمل و... که در نهج البلاغه وجود دارد در دیوان شافعی نیز یافت می‌شود اما از آنجا که این موارد، جنبه عام دارد، از اشاره به آنها صرف نظر کرده‌ایم.
۳. علائم اختصاری ق، ن، خ، به ترتیب، نشانه کلمات قصار، نامه و خطبه حضرت است.
۴. لازم به توضیح است که منظور از عناصر تصویرساز استفاده از مشابه به و یا مستعار منتهی مشترک است. در این نوع تصویرسازی اگر مشابه و یا مستعار له نیز مشترک باشد، معلوم می‌گردد که اقتباس و یا سرقت ادبی صورت گرفته است.
۵. برای اطلاع از دیدگاه صاحب نظران و ادیبان درباره این عبارت از نهج البلاغه نک: (سبزیان‌پور، ۱۴۲۹: ۸۱)
۶. این مضمون در ایران باستان هم مشهور بوده است. نک: (سبزیان‌پور، تأثیر پند ... ۱۳۸۸: ۱۰۸)
۷. جاحظ (۱۹۸۳: ۴۱) این جمله را از بزرگمهر نقل کرده است.
۸. این عبارت از یک حکیم ایرانی هم نقل شده است. نک: (سبزیان‌پور، ۱۳۸۴: ۱۴۴)
۹. برای اطلاع از این مضمون در گلستان سعدی و ریشه‌های ایرانی آن، نک: (سبزیان‌پور، تأثیر پند ... ۱۳۸۸: ۱۱۱)
۱۰. برای اطلاع از بحث مفصلی درباره ریشه‌های تاریخی این حکمت و اثر آن در ادب فارسی و عربی نک: (سبزیان‌پور، ۱۳۹۰، تأملی در...: ۳۷-۳۹)
۱۱. لازم به ذکر است، سخنان منثور شافعی در کتاب‌های مناقب الشافعی، سیر أعلام النبلاء، تاریخ ابن عساکر و حلیة الأولیاء، جمع آوری شده که به علت عدم دسترسی به این منابع، شواهد منثور شافعی در پژوهش حاضر از کتاب‌های «الامام الشافعی مناقبه و علمه» اثر فخر رازی، «مقدمه‌ای بر دیوان شافعی» نوشته محمد عبد الرحیم و «تجزیه و تحلیل زندگانی امام شافعی»، از ملا عبدالله احمدیان، نقل شده است.

کتاب‌نامه

- نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه دشتی، چاپ اول، انتشارات مشرقین، قم.
- ابراهیم، أمل، (۲۰۰۰)، *الأثر العربي في أدب السعدی*، الدار الثقافية للنشر، القاهرة الطبعة الثانية.
- ابن ابی الحدید، (۱۹۶۵)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء، بیروت.
- (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، انتشارات اسماعیلیان، قم.
- ابن خلکان، ابو العباس شمس الدین أحمد بن محمد بن أبی بکر، (۱۹۴۸ م) *وفیات الاعیان*، تحقیق الشیخ محمد محی الدین عبد الحمید، مکتبه النهضة المصریة، الطبعة الأولى، الجزء الرابع.
- ابن کثیر، ابو الفداء، (۱۴۰۵-۱۹۸۵)، *البدایة و النهایة*، مکتبه المعارف، بیروت.
- العسکری، ابوهلال، (۱۳۰۲)، *التفضیل بین بلاغتی العرب و المعجم*، در کتاب التحفة البهیة و الطرفة الشهیة، چاپ الجوائب، قسطنطنیة، ص ۲۱۱ - ۲۲۱.
- احمدیان، ملاعبدا...، (۱۳۷۵)، *تجزیه و تحلیل زندگانی امام شافعی*، چاپ دوم، نشر احسان.
- الاصبهانی، احمد بن عبد الله، (۱۹۸۰)، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، دار الكتاب العربی، بیروت.
- الامینی النجفی، محمد هادی، (۱۴۰۱)، *نهج البلاغه و أثره على الأدب العربی*، مؤسسه نهج البلاغه، الطبع الأول.
- البیهقی، احمد بن الحسین، (۱۹۷۱)، *مناقب الشافعی*، تحقیق احمد صقر، مکتبه دار التراث، بیروت.
- توکلی، محمد رئوف، (۱۳۶۱)، *چهار امام اهل سنت و جماعت*، چاپ دوم، تهران: نشر احسان.
- ثعالبی، ابو منصور، (بی تا)، *الاعجاز و الایجاز*، مکتبه دار الیبان، بغداد.
- الجاحظ، عمر بن بحر، (۱۹۶۸)، *البيان و التیسین*، دار الفکر للجمع، بیروت.
- حموی، یاقوت، (بی تا)؛ *معجم الادباء*، ج ۲۱، بیروت: دار صادر.
- الذهبی، محمد بن احمد، (۱۹۹۰)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبد السلام التدمری، دار الكتاب العربی، بیروت.
- الرازی، الفخر، (۱۴۲۹)، *الامام الشافعی مناقبه و علمه*، تحقیق الشیخ محمود جیره...، الدار الثقافیة للنشر، القاهرة.
- راستگو، سید محمد، (۱۳۸۰)، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت.
- سهلب، نصری، (۱۹۷۳)، *فی خطی علی*، دار الكتاب، بیروت.
- الشافعی، محمد بن ادیس، (۱۳۸۰)، *الدیوان*، تحقیق و جمع آوری دکتر مجاهد مصطفی بهجت، شرح و ترجمه فارسی دکتر عباس اطمینانی، انتشارات دانشگاه کردستان.
- (بی تا)، *الدیوان*، شرحه و ضبط نصوصه و قدم له الدكتور عمر فاروق الطباع، بیروت.

اثرپذیری شعر و نثر امام شافعی از سخنان امام علی (ع) ۷۱

- شریف رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین، (۱۳۸۶)، *مقدمه نهج البلاغه*، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، چاپ اول، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران.
- ضیف، شوقی، (۱۹۶۶)، *تاریخ الادب العربی: العصر العباسی الاول*، الطبعة الرابعة، دارالمعارف بمصر عباس، احسان، (۱۹۸۸)، *عبد الحمید بن یحیی الکاتب*، دار الشروق للنشر و التوزیع، عمان، الاردن.
- عبدالرحیم، محمد، (۲۰۰۵)، *مقدمه دیوان الامام الشافعی*، دارالفکر، بیروت.
- فاخوری، حنا، (۱۹۸۷)، *تاریخ الادب العربی*، المكتبة البولیسه، بیروت.
- فرائد السلوک*، (۱۳۶۸)، مؤلف ناشناس، تصحیح و تحشیه نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی، تهران: نشر پازنگ.
- مسعودی، (۱۳۸۴)، *مروج الذهب*، تحقیق محمد محی الدین عبد الحمید، مكتبة التجارب، مصر.
- مصطفی بهجت، مجاهد، (۱۳۸۰)، *شعر امام شافعی*، شرح و ترجمه فارسی دکتر عباس اطمینانی، سندج: انتشارات دانشگاه کردستان.
- نخله، امین، (۲۰۰۲): *المئة*، ط ۱، الدار الإسلامية، بیروت.
- یعقوب، امیل بدیع، (۱۴۱۱) *مقدمه بر دیوان شافعی*، دار الکتب العربی، بیروت.
- عسکری -----، (بی تا)، *جمهره الأمثال*، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم و عبدالمجید قطامش، بیروت، دار الجیل
- جاحظ، عمر بن بحر. (۱۹۸۳). *الأمم و المأمول*. تحقیق محمد رضا ششن. الطبعة الثانية. دار الکتب الجدید.
- راغب الاصفهانی، ابو القاسم الحسین بن محمد بن المفضل (۱۴۲۰)، *محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء*، حقه و ضبط نصوصه و علق حواشیه الدكتور عمر الطباع، شركة دار الارقم بن ابی الارقم للطباعة و النشر.
- امیدی، جلیل، (۱۳۷۹)، «نگاهی به مضامین و موضوعات دیوان شافعی»، *مقالات و بررسیها*، دفتر ۶۸، صص ۱۷۱ - ۱۹۷
- جعفری، سید محمد مهدی، (۱۳۸۴)، «تأثیر نهج البلاغه بر ادب فارسی»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره اول، دوره بیست و دوم، صص ۱ - ۱۷
- خاقانی، محمد، (۱۳۸۱)، «سخنان علی (ع) در آینه شعر عربی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ش ۳۵ - ۳۹، صص ۱۳۱ - ۱۷۱
- سبزیان پور، وحید، (۱۳۸۴) «مقایسه حکمت در شاهنامه و متون عربی قرن سوم تا پنجم»، *مجله هی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱، بهار ۸۴، صص ۱۲۷ تا ۱۲۸
- ، (۱۳۸۷): «تأثیر کلام علی (ع) در ادب الصغیر»، *مجله مقالات و بررسیها، دانشکده الهیات دانشگاه تهران*، دفتر ۸۸، صص ۵۳ - ۷۱

- (۱۳۸۸)، «تأثیر نهج البلاغه در گلستان سعدی»، *فصلنامه علوم اسلامی*، دانشگاه پیام نور، سال اول، شماره صفر، صص ۱۰۵-۱۲۶
- (۱۳۸۸)، «تأثیر پند های انوشروان و بزرگمهر بر گلستان سعدی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، سال ۱۷، شماره ۶۴، صص ۹۱-۱۲۴
- (۱۳۸۹)، «تأثیر کلام امام علی (ع) در اشعار ابو العتاهیه»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث، مقالات و بررسی‌های سابق*، شماره یکم، سال ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۷۹-۱۰۰
- (۱۴۲۹)، «تبارات التذلیس فی اسناد کلمات الامام علی (ع) من الجاحظ الی لوئیس ماف» *مجله العلوم الانسانیة الدولية للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة*، السنة الخامسة عشر، العدد ۱۵، صص ۷۷ الی ۸۹
- (۱۳۹۰)، «تأملی در سرچشمه های حکمت در گلستان سعدی»، *کتاب ماه ادبیات*، سال چهارم، شماره ۴۸، پیاپی ۱۶۲، صص ۳۶-۴۶
- (۱۳۹۰)، «تأثیر حکمت‌های نهج البلاغه در ترجمه عربی کلیله و دمنه»، *فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی*، دانشکده ادبیات دانشگاه رازی، شماره ۱، صص ۷۵-۱۰۰
- شیروی خوزانی، مصطفی، (۱۳۸۱)، «بازتاب زندگی علی (ع) و صفات بی بدیل ایشان در اشعار عربی معاصر»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۶۴، دوره ۵۲، صص ۳۲۳ تا ۳۳۸.
- طباطبایی، عبدالعزیز، (۱۳۷۲)، «ما قیل فی نهج البلاغه من نظم ونثر»، *تراثنا*، شماره ۳۴، صص ۱۱۰-۶۰
- طغیانی، اسحاق، (۱۳۸۴)، «نهج البلاغه و شعر کهن پارسی»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، شماره ۱۷، صص ۵۳ تا ۸۰
- میر قادری، فضل ا...، (۱۳۸۴)، «اهل بیت (ع) در دیوان شافعی»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب*، سال اول، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۴۸
- میرزا محمد، علی رضا، (۱۳۸۲)، «نهج البلاغه و اثره فی الادب العربی»، *مجله آفاق الحضارة الاسلامیة*، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۳۲۹ تا ۳۵۸.